

کاربرد زبانهای محلی در ایران

مهدی امانی

مشاور فنی سابق سازمان ملل متحد

چکیده

در این مقاله کاربرد زبانهای محلی ایران براساس سرشماری سال ۱۳۶۵ و آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۷۲ بررسی و نتایج آماری افرادی که به زبانهای محلی و یا به زبان فارسی حرف می‌زنند به صورت جدولهایی نشان داده شده است. از جمله نتایج این بوده که در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۲ درصد افرادی که فارسی نمی‌دانسته‌اند به ترتیب ۱۷/۳ و ۱۲/۷ درصد از کل جمعیت کشور بوده است. این موضوع را با درصد بی‌سوادان هر استان می‌توان سنجید و اینکه وقتی درصد بی‌سوادان هر استان، که ساکنان آن به یک زبان محلی حرف می‌زنند، بیشتر باشد، درصد کسانی که در آن استان زبان فارسی نمی‌دانند نیز بیشتر است و به عکس.

واژگان کلیدی: جمعیت، زبان فارسی، زبانهای محلی، اختلاف دوجنس، نرخ فرابومی زبانهای محلی، بی‌سوادی، ضریب همبستگی، بی‌سوادی و جمعیت.

در چهارمین سرشماری ایران در سال ۱۳۶۵ (نخستین سرشماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی)، مسؤلان مرکز آمار، برای نخستین بار سؤالی درباره زبانهای رایج مطرح کردند. نحوه پاسخگویی چنین بود:

- به زبان فارسی حرف می‌زنند - تنها زبان فارسی را درک می‌کنند - زبان فارسی نمی‌دانند
این سؤال در آمارگیری جامع سال ۱۳۷۰ مطرح نشد اما در آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۷۲* به روش دقیقتر از سال ۱۳۶۵ مطرح شد، چراکه این بار پرسش این بود که مردم به کدام زبان محلی صحبت می‌کنند.

جدول شماره ۱. نتایج آماری افرادی که در سالهای ۷۲-۱۳۶۵ به زبان فارسی حرف می‌زنند.

سالهای	۱۳۶۵			۱۳۷۲	۱۳۶۵-۱۳۷۲
جنس	کل	شهری	روستایی	کل	افزایش
مرد	۸۶/۰	۹۲/۷	۷۸	۹۰/۷	۴/۷
زن	۷۹/۴	۸۹	۶۸	۸۳/۸	۴/۴
مجموع	۸۲/۷	۹۰/۹	۷۳/۱	۸۷/۳	۴/۶
فزوننی مرد/زن	۶/۶	۳/۷	۱۰	۶/۹	

حرف زدن به زبان فارسی، یعنی زبان رسمی دولت و زبان علمی، آموزشی نظام آموزش و پرورش، در مردان بیشتر است به طوری که این نرخ فزوننی نسبت به زنان در ۱۳۶۵، ۶/۶ مورد و در ۱۳۷۲، ۶/۹ مورد است.

درصد افرادی که به یک زبان محلی صحبت می‌کنند و زبان فارسی نمی‌دانند در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۲ به ترتیب ۱۷/۳ و ۱۲/۷ بوده است که رقم مطلق آن ۸،۴۰۶،۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ و ۷،۳۰۶،۰۰۰ نفر در ۱۳۷۲ می‌باشد. با اینکه این ارقام در مدت هفت سال ۱،۱۰۰،۰۰۰ نفر کاهش نشان می‌دهد با این همه دارای اهمیت زیادی است.

* . آمارگیری نمونه‌ای ویژگیهای اجتماعی اقتصادی خانواده‌ها. ۱۳۷۲، نتایج منتشر شده در ۱۳۷۳، مرکز آمار ایران، شماره ۱۸۸۹،

در سال ۱۳۷۲ سرشماری در میان کسانی که به ۸ زبان محلی حرف می‌زدند، انجام شد. مجموع افرادی که از این زبانهای محلی استفاده می‌کردند ۵۶/۷ درصد از کل جمعیت یعنی ۳۲،۶۰۰،۰۰۰ نفر بودند.

اهمیت نسبی زبانهای محلی، در سال ۱۳۷۲، در بیش از ۳۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر در جدول شماره ۲ مشخص شده است.

جدول شماره ۲. درصد افرادی که به یک زبان محلی و زبان فارسی حرف می‌زنند.

زبان محلی	درصد	دو جنس	مرد	زن
ترکی	۴۷/۶	۷۶	۸۳	۷۰
لری	۱۲	۸۸	۹۰	۸۵
کردی	۹/۷	۷۱	۷۹	۶۳
عربی	۹/۲	۶۹	۷۹	۵۸
گیلکی	۸	۹۲	۹۳	۹۰
مازندرانی	۶/۷	۹۷	۹۷	۹۷
بلوچی	۳/۴	۵۲	۶۴	۳۷
ترکمنی	۳/۴	۷۸	۸۷	۶۸
جمع	۱۰۰	۷۸	۸۴	۷۲

الف. برآورد رقم جمعیتی که به زبانهای محلی صحبت می‌کنند

رقم جمعیتی که در سال ۱۳۷۲ به این زبانهای محلی صحبت می‌کردند در جدول شماره ۳ مشخص شده است.

جدول شماره ۳. تخمین رقم افرادی که به زبان محلی صحبت می‌کنند.

زبان محلی	درصد	رقم تخمینی افرادی که به زبان محلی صحبت می‌کنند
ترکی	۴۷/۶	۱۵،۵۱۶،۰۰۰
لری	۱۲	۳،۹۱۲،۰۰۰
کردی	۹/۷	۳،۱۶۲،۰۰۰
عربی	۹/۲	۲،۹۹۸،۰۰۰
گیلکی	۸	۲،۶۰۸،۰۰۰
مازندرانی	۶/۷	۲،۱۸۴،۰۰۰
بلوچی	۳/۴	۱،۱۰۸،۰۰۰
ترکمنی	۳/۴	۱،۱۰۸،۰۰۰ حدوداً
مجموع	۱۰۰	۳۲۵۹۶،۰۰۰

در پرجمعیت‌ترین گروه‌ها - یعنی ترک و ترکمن زبانان که متعلق به خانواده "زبان ترکی" هستند - بسیاری از افراد (۷۶ و ۷۸ درصد) زبان فارسی می‌دانند، اما "فارسی دانی" در میان گیلکها و مازندرانیها رواج بیشتری دارد.

به طور متوسط مردان بیش از زنان زبان فارسی می‌دانند: ۸۴ درصد در مقابل ۷۲ درصد زنان.

با وجود این میزان اختلاف دو جنس در میان بلوچ زبانان، بسیار است: ۶۴ درصد از مردان در مقابل ۳۷ درصد زنان که تقریباً دو برابر را نشان می‌دهد.

در مورد بلوچ زبانان نسبت مرد به زن نسبتاً بالاست (۱۷۷ در برابر ۱۰۰ زن)، (جدول شماره ۴) که لر و ترکمن زبانان به ترتیب با ارقام ۱۱۱ و ۱۱۵ در ردیف بعد قرار دارند، در حالی که به نظر می‌رسد استفاده از زبان محلی عربی و گیلکی، اغلب در میان زنان بیشتر رواج دارد و نسبت مرد با زن مساوی ۹۳ و ۹۷ است.

جدول شماره ۴. نسبت مرد به زن (تعداد مردان در برابر ۱۰۰ زن) در جمعیت‌هایی که به زبان محلی صحبت می‌کنند (۱۳۷۲).

۱۱۷	بلوچی
۱۱۱	لری
۱۱۰	ترکمنی
۱۰۸	مازندرانی
۱۰۶	کردی
۱۰۵	ترکی
۹۷	عربی
۹۳	گیلکی
۱۰۵	میانگین

ب. نرخ فرابومی زبانهای محلی

به هر یک از این زبانها، اغلب، در یک یا چند استان، که دارای ارتباط همنامی در مکان و زبان هستند، حرف می‌زنند مثلاً:

- زبان کردی و استان کردستان

- زبان لری و استان لرستان

- زبان بلوچی و استان بلوچستان

بنابراین، آمارگیری سال ۱۳۷۲، این امکان را فراهم می‌سازد تا بتوان ۶ زبان محلی ترک، بلوچ، کرد، لری، گیلک و مازندرانی را که هر یک به یک یا چند استان مربوط می‌شود، مشخص کرد.

جمعیت برخی استانهای همنام مکان - زبان نسبت به جمعیتی که به زبان محلی مربوط به آن صحبت می‌کنند، کمتر است. جمعیت کردستان، برای مثال، در سال ۱۳۷۱، ۱،۲۷۱،۰۰۰ نفر بوده است (که مطمئناً بخش اعظم آن کرد زبان نیستند)، در حالی که رقم کرد زبانان در ایران از

۳،۱۶۲،۰۰۰ نفر تجاوز می‌کند. نسبت $۲/۴۹ = ۳،۱۶۲،۰۰۰/۱،۲۷۱،۰۰۰$ به این معناست که تعداد کرد زبانان $۲/۴۹$ برابر نسبت به جمعیت کردستان یا همان استان همنام مکان - زبان بیشتر است. به عبارت دیگر کردها به میزان زیادی نسبت به استان کردستان فرا بوم هستند. بعد از کردها که حداکثر میزان کاربرد فرا بومی زبانهای محلی را به خود اختصاص داده‌اند به ترتیب ترک، لر و گیلکها قرار می‌گیرند. برعکس، زبانهای مازندرانی و بلوچی زبانهای درون بوم هستند و نسبت ارتباط همنامی مکان - زبان آنها کمتر از یک است. به عبارت دیگر، در دو استان همنام مکان - زبان، یعنی استانهای مازندران و سیستان و بلوچستان بخش اعظم ساکنان، به سرزمین مربوط به زبان محلی خود تعلق ندارند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵. تخمین نرخ فرا بومی بودن زبانهای محلی در ایران (۱۳۷۲).

نرخ فرا بومی هر زبان محلی	رقم کلی جمعیتی که در ایران به این زبان محلی حرف می‌زنند	جمعیت تخمینی استانها در سال ۱۳۷۲	زبان محلی غالب	استان
۱/۷۸	۱۵،۵۱۶،۰۰۰	۸،۷۳۷،۰۰۰	ترکی ترکی و کردی*	آذربایجان شرقی آذربایجان غربی
			ترکی	اردبیل
			ترکی	زنجان
۰/۷۴	۱،۱۰۸،۰۰۰	۱،۴۹۹،۰۰۰	بلوچی	سیستان و بلوچستان
۲/۴۹	۳،۱۶۲،۰۰۰	۱،۲۷۱،۰۰۰	کردی	کردستان
۱/۳۸	۳،۹۱۱،۰۰۰	۲،۸۲۹،۰۰۰	لری	لرستان
			لری	کهگیلویه و بویراحمد
			لری	چهارمحال و بختیاری
۱/۱۵	۲،۶۰۸،۰۰۰	۲،۷۷۱،۰۰۰	گیلکی	گیلان
۰/۵۶	۲،۱۸۴،۰۰۰	۳،۹۰۸،۰۰۰	مازندرانی	مازندران
۱/۳۹	۲۸۴۹،۰۰۰	۲۰۵۱۵،۰۰۰		مجموع

* در استان آذربایجان غربی بیشتر مردم به زبان ترکی حرف می‌زنند و زبان کردی در مرتبه دوم قرار دارد.

نرخ بالای بی سوادی اغلب با درصد بسیار زیاد کاربرد زبان محلی در استانها همراه است. ضریب همبستگی میان نرخ بی سوادی هر استان و درصد جمعیت فارسی زبان آن به ۶۵ درصد می رسد برای مثال، درصد بی سوادی را (گروه سنی ۶ سال و بیشتر) در برخی استانها که استفاده از زبان محلی بسیار زیاد است، در جدول شماره ۶ مشاهده می کنیم و در ضمن نتیجه می گیریم که از درصد مربوط به کل کشور، به میزان قابل توجهی بیشتر است.

جدول شماره ۶. درصد بی سوادی (گروه سنی ۶ سال و بالاتر) برخی استانها که در آنها به یک زبان محلی صحبت می کنند.

استان	۱۳۶۵	۱۳۷۰
سیستان و بلوچستان	۶۴	۵۰
کردستان	۶۱	۴۱
آذربایجان غربی	۵۳	۳۸
آذربایجان شرقی	۴۸	۳۱
هرمزگان	۴۸	۳۵
لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد	۴۷	۳۱
کرمانشاه	۴۴	۳۱
میانگین کل کشور	۳۸	۲۶

جدول شماره ۷. درصد کودکان مدرسه نرفته (۱۰-۶ ساله) در برخی استانها که

یک زبان محلی رایج است.

استان	دوجنس	پسران	دختران
سیستان و بلوچستان	۵۳	۴۳	۶۳
کردستان	۳۸	۲۰	۵۷
آذربایجان غربی	۳۷	۲۴	۵۰
آذربایجان شرقی	۲۷	۲۰	۳۴
هرمزگان	۲۷	۲۰	۳۴
لرستان	۲۵	۱۷	۳۴
میانگین کل کشور	۱۸	۱۳	۲۴

به همین ترتیب درصد کودکان مدرسه نرفته ۱۰-۴ ساله، در استانهایی که به یک زبان محلی صحبت می‌کنند، خیلی بالاست و این نسبتها در مقایسه با میانگین کل رقم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند (پیوندی ۱۹۹۱).

مأخذ

- Paivandi (1991) "Analyse démographique de l'analphabétisme en Iran" Population n 4.5 INED . Paris